

## کودن ترین چکمه پوشان تاریخ نیروهای فشار مستقر در دانشگاه

عابد توانچه

17 اردیبهشت 1386

[/http://takravi.blogfa.com](http://takravi.blogfa.com)

پلی تکنیک شلوغ است. این خبر جدیدی نیست.

سگهای وحشی دوباره با چوب و چماق بچه ها را کتک زده اند اما این هم خبر جدیدی نیست. بچه ها به شدت معترض هستند و جمع به راه انداخته اند و این یکی دیگر اصلاً خبر تازه ای نیست.

مدیریت دانشگاه برای کسانی که وحشیانه به بچه ها حمله کرده اند جوجه کباب سفارش داده است اما این خبر نه تنها جدید که در طول تاریخ «وقاحت» بی سابقه بوده است. من کل ماجرا را خلاصه می کنم:

چکمه پوشان مستقر در دانشگاه نشریات مستقل دانشجویی را جعل کرده و با لوگوی نشریات مستقل مطالبی را که واقعا لایق آن بوده اند \_ اما کسی در خفقان موجود جرات بیان آن را نداشته است \_ را نثار خود کرده اند. پس از آن مانند شیوه ای که در طول تاریخ شاهنشاهی دین بر توده های «محروم از آگاهی» ایران، شیون کنندگان، شیون کرده اند و فریاد «آه و وای» عمله ها بلند شده و شیون کنندگان «جوجه کباب خور» یقه ها دریده اند و اشک ریخته اند و به نمایندگی از خدا در زمین طلب خون کرده اند. همین!

عجب نایغه های با استعدادی! گویا پولهای تلف شده به پای «نانو تکنولوژی» جواب داده است. دولت «هاله های مقدس» گویا بعد از کشف «واکسن ایدز» داروهای نیز برای تحریک قوه ی دماغی «صاحبان شکمهای آویزان» ساخته است.

سخنی با چماق به دستان مزدور:

ما هر بار که نیروهای شبهه نظامی مستقر در دانشگاه را «چکمه پوش نامیدیم» از عصبانیت همچون مار به خود می پیچیدید مانند اسپند بر آتش بالا و پائین می پریدید اما ظاهراً اوضاع به گونه ای پیش می رود که در آینده ی بسیار نزدیک شما چکمه پوشان با مسلسل و سر نیزه در دانشگاه سنگر خواهید گرفت. اما شما «رمیوهای اسلامی» نیز مانند همتایان سینمائیتان در آمریکا تنها ابزاری برای ساخت یک توهم هستید. مترسکهای خیالی بای حفاظت از مزارع هندوانه ی هسته دار!

سیستمهای ارعاب و کنترل دیکتاتوری موجود تنها مبتنی بر شیوه های قرون وسطایی و اعمال خشونت لخت و عریان است. ما کارایی سیستم شما را در حفاظت از هسته ی دیکتاتوری مضحکتان دیده و شنیده ایم. به گمانتان پلی تکنیک را فتح خواهید کرد؟؟؟ احمقها اشتباه می کنید. پلی تکنیک خاک نیست، محدوده ای قابل درک توسط مغزهای معیوب و کپک زده ی شما نیست. پلی تکنیک جسم این دگر اندیش و آن دگر اندیش نیست که با اعمال شیوه های «حاج سعید امامیتان» به «روایت فتح» شور انگیزی برایتان تبدیل شود. حتی اگر «آقا محمود» شما هم بیاید در روی صدها حکم توبیخ و اخطار و تعلیق از تحصیل و اخراج و ممانعت از تحصیل، کمری پیچ و تاب دهد باز هم در این مسئله تغییری به وجود نمی آید که اینجا، در پلی تکنیک همواره کوس رسوایی استبداد و دیکتاتوری را می کوبند بنابراین بساط مارگیری خود را جمع کنید و جای دیگری به سیاه بازی مشغول شوید. اینجا جواب نمایندگان خدا در زمین را با «گوجه های لهیده» می دهند.

درب دانشگاه را \_ که گویا تنها مانعی برای ورود دانشجویان است \_ می شکنید، با چوب و چماق و زنجیر و گاز اشک آور به رهبری «شعبان بی مخها»، «سلطان بی مخها»، «دکتر بی مخها»، «داماد بی مخها» یتان به جان دانشجویان می افتید. می زنید، کبود می کنید، زخمی می کنید، می شکنید. می گیرید و می بندید و می برید. در گذشته

همچون زنان روبنده صورتی که اکنون در خیابانها بسته اید با « حجاب » کار می کردید اما اکنون با گردن کلفتی در روز روشن با « پراپدهای » که جیره ی یک جلسه چماق کشی و « وای وایتان » است با افتخار « آدم ربایی » می کنید.

شما اکنون با وقاحت شعار « انقلاب فرهنگی » می دهید. دروغگوها همیشه در هنگام عربده کشی های مستانه به طرز ناشیانه ای راست گویی می کنند. ماهیت « حماسه » ای که شما جوجه های تازه سر از تخم بیرون آورده ، کورکورانه و با تعصبی جهالت بار از آن دفاع می کنید جای گلوله هائی بود که بر دیوار دانشگاه ها ماند. رد کاترهایی بود که بر بدنهای پسران و دختران داشجو ماند. بوی سوختگی صفحات کتابهایی بود که در آتش سوخت و در یک کلام داغ ننگی بود که بر پیشانی تاریخ سیاهتان ماند.

شما کند ذهن ترین ، ضعیف ترین و رقیق ترین لایه ی همپالگی های خود هستید و درست به همین دلیل است که محبوب ترین این قشر بی ریشه در دانشگاه و مایه خنده و مضحکه فعالان دانشجویی هستید.

400 نفر از زبده ترین نیروهایی که در اختیار داشتید از قبل در دانشگاه مستقر کردید ، دستگاه های فلزیاب نصب کردید ، تمام خبرچینها و چکمه پوشانی که به زور سهمیه وارد دانشگاه کرده بودید بکار گرفتید، تک تیر انداز روی بام دانشکده ها مستقر کردید، اتوبوس اتوبوس عمده های خود را به جای دانشجویهای دانشگاه امیر کبیر وارد دانشگاه کردید و سالن سخنرانی را پر کردید. بستید و پلمپ کردید و نرده و سیم کشیدید. تمام متدهایی که از ساواکیهای اکنون شریک شده ی خود و اساتید موسادی آنها آموخته بودید را پیاده کردید. جیبها را گشتید، حتی از ورود بلیطهای اتوبوس شهری به سالن سخنرانی « صاحبان » جلوگیری کردید اما حتی نتوانستید از ورود عکس فعالان دانشجویی در بند نظامتان جلوگیری کنید. ابله ها شما می خواهید انقلاب فرهنگی کنید؟ شما می خواهید انقلاب علمی کنید؟ شما می خواهید مخفیانه به یک قدرت هسته ای تبدیل شوید؟ جشن بگیرید و یک خیرات کنید اما در این دمامد ربق رحمت سر کشیدن ، زیاد توهم نزنید و شلوغ نکنید.

«اعتراض» همچون ویروسی قوی در بین دانشجویان پلی تکنیک منتشر می شود. این ربطی به نامها و مکانها ندارد. اعتراض در بین دانشجویان پلی تکنیک سینه به سینه انتقال می یابد. باز تولید آگاهی ها و تجربیات از گذشتگان به آیندگان نه از طریق امکانات رسمی و انجمنها و کانونها که از طریق ارتباطات گسترده ی دانشجویی صورت می گیرد. این مطلبی است که شما از درک آن عاجزید زیرا که برای هر فعلی ابزاری لازم است و ابزار درک کردن مغز است و شما به جای مغز ، چماق و گاز اشک آور دارید. پس زیاد به این مسائل فکر نکنید.

گرچه به شخصه دفتر تحکیم وحدت و انجمنهای اسلامی را یکی از جدی ترین مشکلات بر سر راه شکل گیری تشکلهای واقعا مستقل غیر رسمی دانشجویی می دانم اما هیچ شکی ندارم که انجمن دانشجویی پلی تکنیک مشروع ترین تشکل رسمی «موجود» دانشجویی در آن دانشگاه است. مشروعیتی حتی بالاتر از رئیس انتصابی غالب شده به دانشگاه امیر کبیر و « عمده های جوجه کباب سرو کن » آن. مشروعیتی بالاتر از آنکه نیروهای فشار ، مدیریت ناکار آمد و غیر دانشجویی و مدعیان جانشینی خدا بر زمین بتوانند با « هوچیگری » و « زور ورزی » خود آن را از بین ببرند.

فعالان دانشجویی امیر کبیر می آیند، مبارزه می کنند و بسته به وزن کار خود مورد خشم استبداد واقع می شوند و به « نحوی» از دانشگاه خارج می شوند اما مبارزه همچنان ادامه خواهد داشت چرا که در دانشگاه شعور جاری است.

اگر می خواهید زحمات شبانه روزیتان برای آرام شدن فضای دانشگاه به ثمر برسد ورود به دانشگاه را برای غیر چکمه پوشان چماق به دست ممنوع اعلام کنید.



ISNA

ISNA/PHOTO:MEHDI GHASEMI



ISNA

ISNA/PHOTO:MEHDI GHASEMI

+ نوشته شده در دوشنبه هفدهم اردیبهشت 1386 ساعت 15:34 توسط عابد توانچه | [74 نظر](#)